

نگاهی به تحقیق النهایة

معرفی و ملاحظات در تحقیق نهایة شیخ طوسی (علیه
الرحمة)

۲۹۵-۳۰۴



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

چکیده: نگاهی به تحقیق النهایة مقاله ای توصیفی-انتقادی بر النهایة شیخ طوسی (رحمه الله) است که اخیراً با تحقیق و تصحیح مؤسسه پیام امام هادی (علیه السلام) منتشر شده است.

نگارگر در این مقاله می‌کوشد ضمن معرفی و تبیین شاخصه‌های اصلی کتاب النهایة، اهم تحقیقات انجام شده و ملاحظات در امر تحقیق را یادآور شود و از این رهگذر پیشنهادها و راهکارهایی برای تحقیقات پیش رو بیان کند.

اختصار، استشهاد و ایضاح مطالب بیان شده از ویژگی های این نوشتار است که با هدف معرفی نشر جدید النهایة به فرهیختگان پژوهش محور و فقه پژوهان متن محور صورت گرفته است.

کلید واژه: شیخ طوسی (رحمه الله)، فقه فتوایی، النهایة، نقد و ملاحظه، الگو و پیشنهاد تحقیق

النهایة فی مجرد الفقه و الفتاوی: طوسی، محمد بن الحسن؛

تحقیق: مؤسسه امام هادی (علیه السلام)؛ قم، پیام امام

هادی (علیه السلام)، چاپ اول، ۵ مجلد، ۲۶۰۵ صفحه

(مدخل ۳۸۶ ص + جلد اول ۵۲۵ ص + جلد دوم ۵۰۴ ص +

جلد سوم ۵۱۸ ص + جلد چهارم ۶۷۲ ص)، ۱۳۹۹ ش/۱۴۴۲ ق.

**A Look at the Edition of al-Nihāyah
(Introduction and Some Considerations in the
Edition of Sheikh Ṭūsī's al-Nihayah)**

Mohammad Reza Khademian

Abstract: A look at the edition of al-Nihāyah is a descriptive-critical article on al-Nihayah of Sheikh Tusi (may God have mercy on him), which was recently published with the research and editing of Imam Hadi's institute.

In this article, the author tries to introduce and explain the main characteristics of al-Nihāyah, the most important editions done in this regard and some considerations regarding the present edition, and in this way to express suggestions and solutions for future research.

brevity, exemplifying and clarification of the stated content are among the features of this article, which was made with the aim of introducing the new edition of al-Nihāyah to research-oriented scholars and text-oriented jurists.

Keywords: Sheikh Ṭūsī, Fatwa Jurisprudence, al-Nihayah, Criticism and Consideration, Research Model and Suggestion

اشاره

ابوجعفر محمد بن حسن بن علی طوسی معروف به «شیخ طوسی» (۳۸۵-۴۶۰ ق) از سرشناسان و بزرگان علمای امامیه در سده پنجم پرفروغ‌تر از آن است که با این قلم و در این مقام بازشناسانده شود. شیخ طوسی در دانش‌های عدیده‌ای صاحب نظر و صاحب قلم است و گستره دانسته‌های او شامل معقول و منقول می‌شود. تاریخ، رجال، کلام، حدیث (اعم از ادعیه، زیارات و روایات)، تفسیر و علوم قرآنی، اصول فقه و فقه از جمله علمی است که نه تنها شیخ طوسی در آنها صاحب نظر، بلکه صاحب قلم نیز بوده و آثاری از وی به یادگار مانده است.

شیخ طوسی حلقه وصل میان پیشینیان و پسینیان دانشمندان علوم اسلامی است و با الهام از موضوعات و سرشاخه‌های کتب پیشینان آثاری ابتکاری و نوظهور برای پسینیان به میراث نهاده است. با این وصف تقلیب او به «شیخ الطائفة» بسی زیبنده و بجاست.

در میان ابعاد علمی شیخ طوسی، به شهادت آثار به جای مانده وی دانش فقه جایگاه بلندی دارد و به حق او را می‌توان از پیشگامان تحول در دانش فقه دانست. نخستین اثر فقهی شیخ طوسی النهایة است که در سال‌های جوانی و آغاز تلاش‌های علمی نگاشته^۱ و آخرین آن المبسوط است که به سان دریایی پرتلاطم می‌نمایاند.^۲

دقت به سیر کتب فقهی شیخ طوسی به عنوان زمامدار فقه شیعی در سده پنجم بی‌شک دریچه‌های وسیعی به سیر تکوین و تکامل فقه شیعی می‌گشاید. نقطه سرآغاز این حرکت، نه‌ایه شیخ طوسی است که به عنوان نخستین اثر فقهی مستقل این فقیه ژرف‌اندیش مطرح است.^۳

نکاتی در معرفی النهایة

در معرفی و بازشناسانی نه‌ایه توجه به چهار نکته کلیدی راهگشاست:

۱. محوریت نه‌ایه در تدریس و بحث فقها تا قبل از ظهور شرائع الاسلام^۴
۲. انطباق متن نه‌ایه با متون یا مضمون روایات^۵

۱. چنان‌که شیخ طوسی در مقدمه مبسوط (ج ۱، ص ۲) تصریح می‌کند: «و کنْتُ عملتُ علی قَدیم الوقت کتاب النهایة».
۲. آیت‌الله سیدرضا صدر (م ۱۴۱۵ق) از آیت‌الله بروجردی نقل می‌کند: «نسبت شماره فروع قواعد الأحكام علامه حلی، به فروع مبسوط شیخ طوسی از قبیل جویی است به دریا که مبسوط را دریا می‌دانست و قواعد را جوی». (هزاره شیخ طوسی، ص ۴۱۷-۴۱۸)
۳. هر چند تاریخ دقیق تألیف نه‌ایه معلوم نیست، اما گذشته از مقدمه مبسوط که شیخ طوسی ساختار تدوینی نه‌ایه و زمان تألیف آن را سالیانی پیش‌تر می‌داند و پیش‌تر بدان اشاره شد از قرآنی معلوم می‌شود که نه‌ایه در میان بازده اثر فقهی شیخ طوسی، نخستین یا از نخستین آثار فقهی مستقل و کامل اوست و در فاصله سال‌های ۴۱۵-۴۳۵ تألیف شده است. (ر.ک به: النهایة (مدخل)، ص ۲۷۷-۲۷۸)

۴. طبقات اعلام الشیعة (النابس فی القرن الخامس)، ج ۲، ص ۱۶۲؛ مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۱۶۹.
۵. المبسوط، ج ۱، ص ۲؛ الاستبصار، ج ۴، ص ۳۰۵؛ الفوائد الرجالية، ج ۳، ص ۲۳۰؛ تکملة أمل الأمل، ج ۴، ص ۴۵۳.

۳. تضمّن نهایی بر اصول فقهای امامیه^۶

۴. شمول و جامعیت ساختار نهایی^۷

توجه به این چهار نکته کلیدی اهمیت نهاییه شیخ طوسی را بیشتر می‌نمایاند.

اخیراً با مساعی فراوان مؤسسه امام هادی (علیه السلام) النهایه در قالبی چشم‌نواز و تحقیقی فاخر به ساحت فقه پژوهان عرضه شده است که جای بسی قدرشناسی دارد.

اهم تحقیقات

اهم عملیات تحقیقی و تصحیحی این اثر پربها فهرست وار از این قرار است:

۱. تهیه نسخ متعدد، ارزیابی و انتخاب بهترین نسخ نهاییه

با توجه به اینکه نهاییه در مجامع علمی در مقطعی به عنوان کتاب درسی قرار گرفته بود، نسخ فراوانی از این کتاب در دسترس است، اما همین فراوانی امر تحقیق را سهل و ممتنع می‌کند؛ چراکه نسخ فراوان با توجه به استنساخات محوّف و مصحف و گاهی راه‌یابی حواشی به اصل متن، انتخاب متن صواب و صحیح را دشوارتر می‌کند. در این مرحله از میان نسخه‌های فراوان نهاییه که در مراکز علمی و کتابخانه‌های معتبر موجود بود، ۱۲ نسخه گزینش و نهایتاً پنج نسخه فاخر انتخاب شد.^۸

۲. تخریب و ارجاع دقیق و جزئی متن به روایات

این بخش از تحقیق با توجه به انطباق متن نهاییه با مضمون روایات در عین حال که بسیار ضروری است، بسیار چشم‌گیر و قابل توجه است. این بخش از تحقیق مخصوصاً در قسمت‌هایی از نهاییه که ناظر به حکم و فتوای خاصی است، با صرافت و ظرافت خاصی به روایات بازگردانده شده و روایات مختص به هر حکمی مبتین شده است.

۳. تقویم نص و اختیار اصح عبارات

اهمیت این بخش در رفع تعارض میان تعابیر مؤلف و منقولات از مصدر واحد آشکار می‌شود. برای نمونه شهید اول در ذکری (ج ۴، ص ۱۸۰) از نهاییه نقل می‌کند که شیخ طوسی قائل به سه تکبیر در

۶. این خصوصیت از عبارت پردازی شیخ طوسی در مبسوط (ج ۱، ص ۲) به دست می‌آید، مانند: «و ذکرّت جمیع ما رواه أصحابنا فی مصنفاتهم و أصولها من المسائل».

۷. در این باره شیخ طوسی می‌گوید: «یشتمل علی تجرید الفتاوی فی جمیع ابواب الفقه و ذکر جمیع ما روی فیهِ علی وجه بصغر حجمه و تکرر فائده» (الاستبصار، ج ۴، ص ۳۰۵) و همچنین: «ذکرّت جمیع ما رواه أصحابنا فی مصنفاتهم و أصولها من المسائل و فرقوه فی کتبهم و رتبه ترتیب الفقه و جمعّت من النظائر» (المبسوط، ج ۱، ص ۲) همچنین این گفته آیت‌الله سیدرضا صدر قابل توجه است: «آنچه فقیهان امامی پیش از تألیف نهاییه در فقه نوشته‌اند، رساله‌هایی بوده در یک مبحث از فقه یا چند مبحث یا خلاصه‌ای بوده بسیار کوتاه از فقه و کتابی از امامیان پیش از تألیف نهاییه که از همه مباحث فقه به طور رسا سخن گفته باشد سراغ نداریم. نهاییه را می‌توان کامل‌ترین کتاب فقه آن زمان خواند» (هزاره شیخ طوسی، ص ۴۰۸-۴۰۹).

۸. ر.ک به: النهایة (مدخل)، ص ۲۹۰-۲۹۸.

نماز عیدین است، اما محقق کرکی در جامع المقاصد (ج ۲، ص ۴۵۰) و صاحب مفتاح الکرامه (ج ۸، ص ۶۴۱) نقل می‌کنند که شیخ طوسی در نهاییه قائل به دو تکبیر شده است. این اختلاف ادعا، ظن قوی ایجاد می‌کند که نُسَخ متفاوتی مصدر قرار گرفته‌اند.

۴. تثبیت روایات توضیحی

گذشته از روایاتی که متن نهاییه ناظر به آنهاست،^۹ در این بخش روایاتی که رتبه دلالتی دورتری دارند، اما در روند اجتهاد دقت به آنها به عنوان قرائن منفصله کمک شایانی می‌کند، تخریح شده‌اند و با عباراتی نظیر: «انظر»، «راجع» و «یؤید» به آنها احاله شده است.

البته در این مرحله، چنانچه در مواضع دیگری از کتاب به همین مطلب مورد بحث اشاره شده باشد، احاله شده و اگر عین این عبارات به کار نرفته باشد، بلکه مضموناً نقل شده باشد، با عنوان «مضمون» احاله شده و نهایتاً اگر نه عین عبارت باشد و نه مضمون، با عنوان «انظر»، «راجع» و امثال اینها توجه داده شده است.

۵. پاورقی‌های توضیحی راهگشا

در پاورقی‌های توضیحی که در حکم تعلیقه می‌ماند، شاهد چند قسم پاورقی هستیم. در برخی از پاورقی‌ها، واژگان دشوار و دور از ذهن معنا شده و در برخی دیگر تحقیق خوبی از اصطلاحات فنی صورت گرفته است.^{۱۰}

همچنین گذشته از ذکر آیات قرآنی مورد استدلال در متن، در برخی از موارد برای روشن‌تر شدن، استدلال تفسیر آیه مورد نظر نیز بیان شده است.

قسم سوم پاورقی‌ها درباره تراجم اشخاص و علمایی است که نام شریفشان در متن نهاییه ذکر شده است. تحقیق و تکمیل این قسم با رجوع به منابع معتبر رجال و تراجم انجام شده است.

از دیگر پاورقی‌های توضیحی باید به استناد دیگر فقها به فرازهایی از نهاییه اشاره کرد. در این راستا هر فرازی که مورد اشاره و استدلال قرار گرفته، با تعبیر «عنه» به مصادر مورد نظر اشاره شده است.

قسم دیگری از پاورقی‌ها که نزدیک و شبیه مورد اخیر است، رفع اجمال و ابهام از عبارات نهاییه است که با مراجعه به سایر کتب شیخ طوسی و توضیحات ابن ادریس در سرائر^{۱۱} یا کلام دیگر فقها انجام شده است.

۹. بگذریم از این مطلب که خود نهاییه ترجمانی از روایات و اقتباسی از آنهاست و به تعبیر بزرگان از «اصول متلقات» محسوب می‌شود. در این باره ابن ادریس کلامی دارد: «... لأنّ الكتاب المذكوراً النهاییه کتاب خبر، لا کتاب بحث و نظر و کثیراً ما یورد فیه اشیاء غیر معمول علیها...» (السرائر، ج ۱، ص ۶۴۲)

۱۰. برای نمونه بنگرید به: «دائرة هندیه» در ج ۱، ص ۱۷۹.

۱۱. ابن ادریس سیطره علمی چند ده‌ساله شیخ طوسی را بر مجامع علمی در هم شکست و در مواضع عدیده‌ای از سرائر تقضاً و توضیحاً به آثار فقهی شیخ طوسی، به خصوص نهاییه پرداخته است. از این جهت ابن ادریس را می‌توان از شارحان کلام شیخ طوسی دانست.

البته گاهی انظار شیخ طوسی در خود نهایی متفاوت ذکر شده و خواننده شاهد فتاوی مختلف است. این موارد اختلافی دقیقاً معلوم شده تا خواننده با نظر اجتهادی خویش قول صائب را انتخاب کند. چنان‌که دایره این اختلاف انظار گاهی به مقایسه نهایی با سایر آثار شیخ طوسی کشیده شده و چنین مواردی نیز با یکدیگر مقایسه شده‌اند.

هفتمین قسم پاورقی‌ها ناظر به منقولات سایر فقها از نهایی است که با متن اصح و تحقیقی همخوانی ندارد. دلیل این اختلاف را باید در نسخه موجود نزد حاکی یا تلخیص عبارات نهایی و یا نقل به مضمون حاکی جستجو کرد که موجب چنین اختلافی شده است. ایضاً چنین مواردی نیز با تعابیری همچون «مثله»، «مضمونه» و «ملخصاً» انجام شده است.

در همین راستا نباید از فهرس فنی جزئی و دقیق این اثر تحقیقی چشم‌پوشی کرد^{۱۲} که اشراف و دستیابی به مباحث را چه اندازه تسریع و تسهیل می‌کند.

روشن است این مرحله از آماده‌سازی اثر چه اندازه نیازمند تتبع، دقت و تطبیق است و موجب کاهش سرعت تحقیق و تصحیح می‌شود.

۶. حروف چینی صحیح و بی‌کم‌وکاست

از جمله کاستی‌هایی که به طور محسوس در حوزه نشر آثار مکتوب دیده می‌شود، ضعف در حروف چینی و اغلاط مطبعی است که گاهی به قدری فراوانی دارد که خواننده از صبغه خواندن خارج می‌شود و حساسیت در اصلاح پیدا می‌کند و عملاً مبدل به ویراستار صوری می‌شود. اهمیت این امر در آثار دینی و درسی به جهت سندیت و محوریت دوصدچندان است و باید تا حد امکان دقت شود. از نقاط قوت بسیار چشمگیر این اثر تحقیقی قلت اغلاط چاپی و نمونه‌خوانی قوی اثر در حد بسیار ناچیز است.

در همین راستا باید به ضبط دقیق کلمات خاص اشاره کرد، مانند: «لا یجوز بیع السرقة»^{۱۳} البته گاهی در این امر تفریط شده و از ضبط‌های نامأنوس و دور از رواج استفاده شده است، مانند: لَص (به کسر لام)،^{۱۴} در حالی که «لام» مثلث الحركه و به ضم، کسره و فتحه وارد شده.^{۱۵} هر چند که لَص مشهور و رایج است.

۱۲. این فهرس فنی در ۱۰ بخش تنظیم شده است: آیات، روایات، نام شریف معصومان (علیهم السلام)، نام ملائکه، اعلام، کُنی و القاب، حیوانات، اطعمه و اشربه، اماکن و بقاع و ایام و وقائع.

۱۳. النهایة، ج ۳، ص ۴۷. در این عبارت معنای اسم مصدری مراد است، نه مصدری، یعنی دزدی مراد است، نه دزدیدن.

۱۴. النهایة، ج ۴، ص ۵۰۳.

۱۵. القاموس، ص ۸۱۳، مادة «الض»؛ المصباح المنیر، ص ۲۱۱، مادة «اللض».

ملاحظات در تحقیق نهایی

هر چند که در بخش قبل تا حدودی درباره امتیازات تحقیقی این اثر سخن گفته شد، اما ملاحظاتی نیز دور از انتظار نیست که به برخی از آنها در دو بخش اشاره می‌شود:

۱. ملاحظات ساختاری و شکلی

۱-۱. سقط علائم ویرایشی و وحدت سیاق نوشتاری

علائم ویرایشی همچون تابلوهای راهنمایی است که کم‌وزیاد آنها و یکدست نبودن اشارات و مفاهیم‌شان به جای هدایت صحیح راننده در طول مسیر رانندگی، موجب اشتباهات بسیار سخت و گاهی جبران‌ناپذیر می‌شود. ضعف در علائم ویرایشی از نظر استفاده صحیح و بجا و مطابق با عرف محل نویسندگی موجب پراکندگی تمرکز خواننده و گاهی برداشت‌های نادقیق و کم‌عمق می‌شود. ایراتیک نبودن نام کتب، عدم تمایز برجسته‌عناوین داخلی^{۱۶}، شروع‌نشدن مبحث جدید از سر سطر^{۱۷} از جمله این موارد است.

همچنین وحدت سیاق نوشتاری کاستی دیگری است. برای نمونه: ص ۲۶۹ (مدخل)، س ۱۰ قبل از عبارت: «و ذکر جمع ما رواه...» شایسته بود تعبیر «کما قال رحمه الله» که پیش‌تر آمده بود، هم اینجا و هم در موارد آتی می‌آمد. بگذریم از اینکه نقل عین کلمات در عرف تحقیقی رایج ایران داخل گیومه می‌آید، نه پرانتز که در کشورهای عربی رایج است.

۱-۲. عدم تمایز شماره پاورقی‌ها

گاهی در برخی موارد شماره‌های پاورقی (تک) در متن پیاپی است. برای نمونه: ج ۱، ص ۱۰۱، ۱۰۰، ۹۷ و...
پرونده‌گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

خوب بود شماره‌های پاورقی با «واو» یا «ویرگول» که روشی مرسوم است، از یکدیگر کاملاً متمایز می‌شدند.

بله، رعایت فاصله شده است، اما این روش مناسب نیست و توهم عدد مرکب می‌شود.

۱-۳. ابهام سر صفحات

فلسفه طراحی نمایه سر صفحات آن است که خواننده در هر قسمت از مطالعه با اندکی التفات

۱۶. دو مورد اخیر در جای‌جای کتاب مشهود است و نیازی به نمونه ندارد. همچنین عطف به مورد اخیر، این مورد است که شایسته بود مدخل نهایی که اختصاص به معرفی مؤلف و مؤلف دارد، با تبویب مناسب‌تری آغاز و پایان می‌گرفت. برای مثال مدخل در دو باب سامان می‌یافت. باب اول در معرفی شیخ طوسی و باب دوم در عملیات تصحیح و تحقیق، اما مدخل با این عنوان مبهم شروع می‌شود: «اسمه، نسبه، لقبه و کنیت» و قبل از این عنوان ذکری از شیخ طوسی (رحمه الله) نیست تا مرجع ضمایر معلوم شود.

۱۷. ر.ک به: ج ۳، ص ۳۵۴، سطر ۴: «فأما إذا كان كذلك...»؛ ج ۴، ص ۵۷۰، سطر ۳: «فإن طلبوا الدية...» و...

متوجه بخش و فصل متناسب با نوشتار شود. این امر مهم در اثر تحقیقی حاضر مفقود است. در صفحات سمت راست به نام کتاب و در صفحات سمت چپ تنها به کتاب فقهی مورد نظر اشاره شده است،^{۱۸} در حالی که یک کتاب فقهی مانند حج که در نهایه ۲۳ باب دارد، ابواب عدیده‌ای دارد که اشرف بر مطالب و یافتن هر باب با سر صفحه گویا بسیار تسهیل می‌شود.

از این رو مناسب است در سر صفحات سمت راست علاوه بر نام اثر تحقیقی، نام کتاب فقهی درج می‌شود، یعنی: النهایة (المجلد الثاني) / کتاب الحج و در سر صفحات سمت چپ نام باب مربوط می‌آید، یعنی: باب العمرة المفردة.

۲. ملاحظات محتوایی و تحقیقی

۲-۱. دقت‌های لازم در مصادر تحقیق

برخی از مصادر تحقیق در بخش معرفی منابع تحقیق معرفی نشده‌اند^{۱۹} یا نام برخی از مصادر صحیح و کامل منعکس نشده‌اند.^{۲۰} همچنین برخی از مصادر تحقیق در شمار آخرین و بهترین مصادر منتشر شده نیستند و چاپ‌های بهتر و جدیدتری از آنها موجود است.^{۲۱}

آخرین ملاحظه در این بخش آن که از میان نسخ فراوان نهایه ۱۲ نسخه مهم و قابل توجه انتخاب شده و از میان آنها ۵ نسخه فاخر و ممتاز محور تحقیق و کتابت قرار گرفته‌اند. در مقام معرفی نسخ دوازده‌گانه (مدخل، ص ۲۹۰-۲۹۸) معلوم نیست علائم اختصاری نسخ ناظر به چیست. اگر بر اساس حروف ابجد است که ترتیب مشهور آنها رعایت نشده و بی‌تناسب است و اگر بر اساس کتابخانه و محل نگهداری نسخ است، باز هم تناسب ندارد. چنان‌که در تصاویر نسخ خطی دوازده‌گانه انتهای کتاب (مدخل، ص ۳۵۰-۳۶۰) نیز رعایت ترتیب همان دوازده نسخه معرفی نشده است و نظم خاصی مشاهده نمی‌شود.

۲-۲. پاورقی‌های فراوان

پیش‌تر به امتیاز مهم تحقیقی و تخریجی این اثر اشاره شد و مجربان این امر می‌دانند که تخریج و

۱۸. البته همین قاعده هم در صفحه‌بندی کتاب گاهی رعایت نشده است. شیخ طوسی (رحمه الله) در شمار فقهایی است که میان مکاسب و متاجر قائل به فرق است و دو کتاب مستقل را در نهایه به این دو موضوع اختصاص داده است. در جلد سوم از ص ۷-۵۱، «کتاب مکاسب» و از ص ۵۳ به بعد، «کتاب المتاجر» شروع می‌شود، ولی تمام سرصفحات این دو کتاب مصور به «کتاب مکاسب» است.

۱۹. مانند شرح النفلية (للشهيد الثاني)، رک: به: ج ۱، ص ۳۷، پاورقی ۱.

۲۰. مانند من لایحضره الفقیه (مدخل، ص ۳۷۰) که صحیح آن کتاب من لایحضره الفقیه است و نهایه الأحکام فی معرفة الأحکام (مدخل، ص ۳۷۱) که صحیح آن نهایه الأحکام... است.

۲۱. این امر با تورقی اجمالی در مصادر تحقیق (مدخل، ص ۳۶۱-۳۷۸) قابل مشاهده است. الأصول الستة عشر، الأربعین، ذکری الشیعة، فوائد رضویه، تأسیس الشیعة، الدرجات الرفیعة و... از این قبیل هستند.

استناد اقوال و محکیات چه اندازه طاقت فرسا و دشوار است، اما در عین حال گاهی زیاده اصل بر فرع مشهود و ارجاعات وافر ممل شده است.^{۲۲}

در هر صورت پاورقی‌ها و ارجاعات باید بجا، مفید و از نظر حجم متناسب با اهمیت موضوع باشد.

۳-۲. ضعف در معنای کلمات و اصطلاحات

این ضعف از دو نظر قابل توجه است: یکی آنکه نوع کلمات از مجمع البحرین معنا شده^{۲۳} و ضعف این کتاب میان ارباب تحقیق مشهور است و با برخی تطبیقات دم‌دستی هم در این اثر قابل اثبات و مشهود است.

دوم آنکه اصطلاحات هر علمی لازم است در وهله اول از خبرگان و کارآزمودگان همان علم دانسته شود؛ چراکه اصطلاح معنای خاص است و معنای خاص را عرف خاص می‌دانند. علم فقه نیز از این قاعده مستثنا نیست. در واقع میان معنای خاص (اصطلاح) و معنای عام (قول لغویون) رابطه عموم و خصوص من وجه برقرار است، در حالی که لازم است اصطلاح خاص در وهله اول از کتب فقهی و عرف فقها معنا شود. برای نمونه «شجاج» از مجمع البحرین (ج ۲، ص ۴۸۳) چنین معنا شده است: «الشجاج والشخ و هو فی الرأس خاصّة هو أن یضربه بشیء فیجرحه و یشقه، ثم استعمل فی غیره من الأعضاء»^{۲۴} در حالی که قسمت نخست این معنا قطعاً تام نیست و قسمت پایانی قطعاً ناصواب است؛ چراکه شجاج در اصطلاح فقها عبارت است از جراحات‌های هشتگانه‌ای که در خصوص ناحیه سروصورت حادث می‌شود و به جراحات‌های سایر اعضا شجّه گفته نمی‌شود.^{۲۵}

یا «قسامه» به نقل از مجمع البحرین (ج ۳، ص ۵۰۴) چنین تعریف شده است: «القسامة بالفتح هی الأیمان علی أولیاء القتیل إذا ادّعا الدم...»^{۲۶} این تعریف نیز تام نیست. علاوه بر اینکه به قسم‌های یادشده اولیای مجنی علیه قسامه گفته می‌شود، بر خود اولیای مجنی علیه نیز قسامه اطلاق می‌شود.^{۲۷}

نمونه دیگر معنای «قود» است که با توجه به معنای منقول از مجمع البحرین (ج ۳، ص ۵۵۸)

۲۲. برای نمونه رک به: ج ۱، ص ۱۸۲-۱۸۵، ۱۸۷-۱۸۸، ۱۹۰، ۱۹۲-۱۹۳.

۲۳. البته از المصباح المنیر، لسان العرب، کتاب العین، القاموس والمعجم الوسیط نیز نقل شده، اما تاضافر و نوعیت با مجمع البحرین است.

۲۴. النهایة، ج ۲، ص ۴۳۷، پاورقی ۱.

۲۵. «الشجاج بکسر الشین جمع شجة بفتحها و هی الجرح المختص بالرأس والوجه و یسمی فی غیرها جرحاً». (جواهر الکلام، ج ۴۳، ص ۳۱۷)

۲۶. النهایة، ج ۲، ص ۴۴۷، پاورقی ۱.

۲۷. شهید ثانی در شرح لمعه و توضیح کلام شهید اول (و لولم یکن له قسامة) می‌نویسد: «أی قوم یقسمون فإن القسامة تُطلق علی الأیمان و علی المقسیم». (موسوعة الشهید الثانی، ج ۹، ص ۳۷۶)

قصاص معرفی شده است،^{۲۸} در حالی که رابطه قود با قصاص عموم و خصوص مطلق است؛ چراکه قود به تلافی نفس جانی اطلاق می شود، اما قصاص اعم از تلافی نفس و غیرنفس (قصاص در اطراف و اعضا) است.^{۲۹}

البته گاهی اصطلاح خاص فقهی از کتب فقهی معنا شده، اما منسجم و جمع بندی نشده و سرانجام معنای محصلی ارائه نشده است.^{۳۰}

در هر صورت، این ملاحظات اجمالی به معنای نادیده انگاشتن زحمات محققان خوش سابقه موسسه امام هادی (علیه السلام) نیست و غرض اصلاح همین موارد مختصر و اجمالی در چاپ های بعدی نهایی و توجه بدان ها در آثار آتی است.

کتابنامه

- الإستنبصار فیما اختلف من الأخبار؛ طوسی، محمد بن الحسن؛ تهران، اسلامیه، چاپ اول، ۱۳۹۰ق.
- بهجة الخاطر و نزهة الناظر؛ بحرانی، یحیی بن حسین؛ تحقیق: عسکری زاده، سیدامیرضا؛ مشهد، بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی، چاپ اول، ۱۴۲۶ق.
- تکملة أمل الأمل؛ صدر، سیدحسن؛ بیروت، دارالمورخ العربی، چاپ اول، ۱۴۲۹ق.
- جامع المقاصد فی شرح القواعد؛ عاملی کرکی، علی بن حسین (محقق کرکی)؛ قم، مؤسسه آل البيت (علیهم السلام)، چاپ دوم، ۱۴۱۴ق.
- جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام؛ نجفی، محمدحسن؛ بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ هفتم، ۱۴۰۴ق.
- ذکر الشیعة فی أحكام الشریعة؛ محمد بن مکی؛ قم، مؤسسه آل البيت (علیهم السلام)، چاپ اول، ۱۴۱۹ق.
- رجال السید بحر العلوم (الفوائد الرجالية)؛ بحر العلوم، سیدمحمد مهدی؛ تهران، مکتبه الصادق (علیه السلام)، بی جا، بی تا.
- طبقات اعلام الشیعة (النابسی فی القرن الخامس)؛ تهرانی، محمدحسن (شیخ آقابزرگ تهرانی)؛ قم، اسماعیلیان، چاپ دوم، بی تا.
- المبسوط فی فقه الامامية؛ طوسی، محمد بن الحسن؛ تهران، مرتضویه، چاپ سوم، ۱۳۸۷ق.
- مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل؛ نوری، حسین؛ قم، آل البيت (علیهم السلام)، چاپ اول، ۱۴۰۸ق.
- مفتاح الکرامة فی شرح القواعد؛ قم، دفتر انتشارات اسلامی (جامعه مدرسین)، چاپ اول، ۱۴۱۹ق.
- المصباح المنیر؛ فیومی، احمد بن محمد بن علی؛ بیروت، مکتبه لبنان، بی جا، ۲۰۰۱م.
- موسوعة الشهد الثاني (الروضة البهیة)؛ زین الدین بن علی (شهید ثانی)؛ قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، چاپ اول، ۱۴۳۴ق.
- القاموس المحيط؛ فیروزآبادی، مجدالدین محمد بن یعقوب؛ بیروت، مؤسسة الرسالة، چاپ دوم، ۱۴۰۷ق.
- هزاره شیخ طوسی؛ تهیه و تدوین: دوانی، علی؛ تهران، امیرکبیر، چاپ دوم، ۱۳۶۲ق.

۲۸. النهایة، ج ۴، ص ۳۷۸، پاورقی ۴.

۲۹. رک به: بهجة الخاطر و نزهة الناظر، ص ۱۰۶، شماره ۲۱۴.

۳۰. برای نمونه معنای «عاقله» در نهایت بدون جمع بندی رها شده است. (النهایة، ج ۴، ص ۵۴)